

## شناخت نامه اسامی سوره‌ها\*

(بخش دوم)

دکتر عبدالمهدی جلالی

دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد

### چکیده

مقوله «اسماء السور» زیر مجموعهٔ مبحث جامع علوم قرآنی و اساس و پی‌رنگ «نام سوره‌ها» در قرآن کریم و احادیث مأثوره است. به جز نامهای متعارف سوره‌ها در مصاحف متداول، بسیاری از سوره‌ها، یک یا دو، و یا چند نام و عنوان دیگر هم دارند که در مجموع افزون بر دوست و پنجاه مورد است و به لحاظ شکل و مضمون، طیف گسترده‌ای را تشکیل می‌دهند و در مواردی بستر پدیداری نامهای متعارف سوره‌ها و از جهت سند و مبنا گونه‌گون و در خور نقد و ارزیابی می‌باشند. این نوشتار با این آهنگ سامان یافته تا جای خالی پژوهشی آکادمیک دربارهٔ دیگر اسامی سوره‌ها - تا اندازه‌ای - پر گردد و پرسشهای مقدر یا موجود در این عرصه پاسخ یابد. در شمارهٔ پیشین بخش نخست این نوشتار تقدیم علاقه‌مندان شد و اینک بخش دوم آن ارائه می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: نام سوره‌ها، مفاهیم، مبانی، ساختارها.

\* - این نوشتار، برگرفته از پایان‌نامهٔ دکتری نگارنده با عنوان «طبقه‌بندی عناوین و وجه تسمیهٔ سوره‌های قرآن کریم» است.

## ۵۸ - المجادلة

۵۸ - ۱ - سورة قد سمع، این عنوان که دو واژه نخستین آیه اول است: «قد سمع الله قول الّتی تجادلک فی زوجها...»، در مکتب‌خانه‌های تونس، آوازه دارد. (ابن عاشور، ۵/۲۸).

۵۸ - ۲ - سورة الظّهار، این نام، در مصحف اَبی بن کعب آمده است. (همانجا و سیوطی، ۱/۱۷۴؛ الإِتقان، طبری، ۹۲/۲۸) وجه تسمیه این سوره به چنین عنوانی، مذکور افتادن مشکل «ظهار» در اوایل همین سوره بوده است و آن چنان است که مرد به همسرش گوید: «پشت تو چون پشت مادر من است و چنانکه مادرم بر من حرام است تو نیز از این پس چنانی». این، صیغهٔ بسیزاری است و پس از آن، زن بر مرد حرام می‌شود؛ مگر آن که کفّاره را به ترتیبی که در سوره مقرر گشته است، بپردازد و ادا کند.

## ۵۹ - الحشر

۵۹ - ۱ - سورة بنی النضیر، در صحیح بخاری از سعید بن جبیر نقل شده است که به ابن عباس گفتم: «سورة الحشر». گفت: «بگو بنی النضیر». یعنی سورة بنی النضیر (بخاری، ۴/۱۸۵۲). برخی در توجیه این سخن ابن عباس احتمال داده‌اند که شاید ابن عباس خیر نداشته پیامبر (ص) این سوره را، «سورة الحشر» نام داده است. اما ابن حجر را در توجیه سخن ابن عباس تأویل و تفسیری دیگر است و آن این که ابن عباس خوش نمی‌داشت این سوره را «حشر» بنامند تا مبادا گمان شود که مقصود از حشر، روز رستاخیز است. چنین تأویلی بعید است؛ بهتر آن است بگوییم که ابن عباس می‌خواسته است، نام دوم سوره را بشناساند و امری که در فعل «قل» وجود دارد، امر تخییری است. یعنی خواهی این را بگو، خواهی آن. و سبب نامیدن سوره به این نام، ذکر ماجرای بنی‌النضیر در آن است، که از آبادی و دیارشان - زهرة - در نزدیکی مدینه اخراج شدند و به اربحا و اذرعات در سرزمین شام، و برخی نیز به خیبر و حیره رفتند. (ابن عاشور، ۶۲/۲۸ - ۶۳؛ سیوطی، الإِتقان، ۱/۱۷۴ - ۱۷۵).

## ۶۰ - الممتحنة

۶۰ - ۱ - سورة الإمتحان، سیوطی، این نام را به سخاوی در کتاب جمال القراء نسبت داده و سندی برای آن ذکر نکرده است (سیوطی، همانجا، ۱۷۵؛ سخاوی، ۱۵۵/۲). سبب چنین نامیدنی آن باشد که در سوره از امتحان کردن زنان با ایمانی که از مکه به مدینه مهاجرت می‌کردند، سخن رفته است: «یا ایها الذین آمنوا إذا جاءکم المؤمنات مهاجرات فامتحوهن...» (ممتحنة / ۱۰).

۶۰ - ۲ - سورة المودة، از سیوطی، به همان ترتیبی که در مورد پیشین آوریم (سیوطی، همانجا؛ ابن عاشور، ۱۲۹/۲۸). وجه تسمیة سوره به این نام آن بوده که کلمه «مودة» در نخستین آیه آن، مذکور افتاده است: «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی و عدوکم اولیاء یتقون إلیهم بالمودة...».

## ۶۱ - الصف

۶۱ - ۱ - سورة الحواریین، سیوطی این نام را در الاتقان آورده؛ اما برای آن سندی نیاورده است (سیوطی، همانجا؛ ابن عاشور، همانجا، ۱۷۱). سوره چنین نام گرفته، چون این نام در آیه آخر، چهره نموده است: «یا ایها الذین آمنوا کونوا أنصاراً لله کما قال عیسی ابن مریم للحواریین من أنصاری إلی الله قال الحواریون نحن أنصار الله...» (صف / ۱۴).

۶۲ - الجمعة، این سوره را، نامی دیگر نباشد (ابن عاشور، ۲۰۴/۲۸).

## ۶۳ - المنافقون

۶۳ - ۱ - إذا جاءک المنافقون، این عنوان در روایاتی از ابن عباس (ابن حنبل، ۲۳۶/۱ «مسند عبد الله بن عباس»)، عبیدالله ابن ابی رافع (ابن ماجه، ۳۵۵/۱) و امام موسی کاظم (ع) (مجلسی، ۲۷/۸۲) آمده و از نوع نامیدن سوره به آیه نخست آن است.

۶۴- الثَّعَابِنُ، (بن سوره را، نامی دیگر نباشد) (بن عاشور، ۲۵۸/۲۸).

### ۶۵- الطَّلَاق

۶۵- ۱- سوره النساء القُصْرِي، (کوتاه‌تر سوره زنان) در خبر مستدی از عبدالله بن مسعود روایت شده است: «أَنَّ سُورَةَ النِّسَاءِ الْقُصْرِي نَزَلَتْ بَعْدَ الْبَقْرَةِ». (همانجا، ۲۹۲: نسائی، ۵۹/۶؛ سیوطی، الاتقان، ۱۷۵/۱؛ طبری، ۹۲/۲۸).

### ۶۶- التَّحْرِيم

۶۶- ۱- سوره المتحرّم، این نام را سیوطی بی ذکر مأخذی آورده است. (سیوطی، همانجا) چرا متحرّم؟! دانسته نیست. ظاهراً «محرّم» باید باشد که اسم فاعل فعلی است که در سوره آمده است: «تُحْرَمُ».

۶۶- ۲- سوره لِمَ تُحْرَمُ این عنوان را نیز سیوطی بدون ذکر مأخذ بیان داشته (همانجا) که واژگانی است برگرفته از آیه نخست سوره: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحْرَمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ...». در روایت ابوذر هروی از صحیح بخاری این عنوان با لام مشدّد مذکور افتاده است: «سورة التّم تحرم» (بن عاشور، ۳۴۳/۲۸) یعنی جمله‌ای را در جایگاه تک‌واژه‌ای (Single word) برنشاند و بر سرش «ال» درآورده‌اند. و شاید به سبب تداول این عنوان (لم تحرم) بر زبانها و توغل آن در اسمیت بوده باشد، که با آن معامله اسم کرده و بر سرش «ال» در آورده‌اند.

### ۶۷- الملك

۶۷- ۱- تبارک، در احادیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع البیان، ۴۸۱/۱۰) و امام باقر (ع) (مجلسی، ۸۷/۶۶) این عنوان دیده می‌شود. و از نوع نامیدن یک سوره به تک‌واژه‌ای (Single word) است که در آغاز آن، برنشسته و خوش درخشیده است.

۶۷- ۲- تبارک الملک، در احادیثی از پیامبر (ص) (همو، ۴۱۵/۹۵؛ طبرسی،

همانجا؛ ابن عاشور، ۵/۲۹)، این عنوان به چشم می‌خورد. و از نوع نامیدن یک سوره به دو واژه‌ای است که - خورشیددوش - در مطلع سوره، ضلوع کرده‌اند.

۶۷ - ۳ - تبارک الّذی بیده الملک، در احادیثی از پیامبر (ص) و جابر (مجلسی، ۱۰۷/۸۴ و ۳۲۰/۸۶؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۵۰۸/۸ و ۷۹۱/۱۰؛ ابن عاشور، همانجا) باقرین (ع) (مجلسی، ۲۹۳/۸۴)، امام صادق (ع) (همو، ۳۱۵/۱۶)، ابوهریره، ابن عباس و ابن مسعود (سیوطی، الإتقان، ۱۱۳۶/۳)، این عنوان آمده است. در این جا، سوره به نخستین جمله آغازین آیه خود نامیده شده و از گونه نامیدن چیزی یا کسی به جمله یا عبارتی است. چنانکه در جاهلیت، ثابت بن جابر را «مَلَّطُ شَرِّهِ هَمُو» که شری به برگرفته بود / آن که شری در آستین داشت» نامیده‌اند. در این حالت لفظ «سوره» به جمله «تبارک الّذی بیده الملک» اضافه می‌گردد (ابن عاشور، ۵/۲۹).

۶۷ - ۴ - المانعة، در دو خبر از ابن مسعود (سیوطی، الإتقان، ۱۷۵/۱) و در خبری مرفوع از ابن عباس این نام دیده می‌شود. در یکی از دو خبر ابن مسعود که طبرانی آورده است (همو، همانجا، ۱۷۶)، ابن مسعود می‌گوید: «در عصر رسول خدا (ص)، این سوره را «المانعة» می‌خواندیم».

۶۷ - ۵ - المنجیة، در خبری مرفوع از ابن عباس، به نقل از تاریخ ابن عساکر از حدیث انس، که در آن آمده است: «رسول خدا (ص) این سوره را «المنجیة» نامیده است، و در مسند عبید، ضمن حدیثی آمده است: «إنها المنجیة» (همانجا؛ ابن عاشور، ۶/۲۹ - ۷).

۶۷ - ۶ - المجادلة، این نام در مسند عبید، و ضمن حدیثی دیده می‌شود: «إنها المنجیة و المجادلة، تُجَادِلُ یَوْمَ الْقِیَامَةِ عِنْدَ رَبِّهَا لِقَارِئِهَا؛ آن، رهایی‌بخش و مناقشه‌گر است، و در روز رستخیز در پیشگاه پروردگارش برای خواننده‌اش مناقشه و گفتگو می‌کند» (همانجا).

۶۷ - ۷ - الواقیة (حافظ، نگاهبان، نگهدار، مصلح و سامان‌بخش)، سیوطی، بی‌ذکر سندی، از جمال القراء بازگو کرده است (همانجا).

۶۷ - ۸ - المناعة (بسیار بازدارنده و منع‌کننده و بس مدافع و حامی - از ملازم خود -)

سیوطی، بی‌ذکر سندی از جمال القراء نقل کرده است (همانجا).

### ۶۸ - الْقَلَم

۶۸ - ۱ - سورة ن و القلم، این عنوان که از دو واژه برنشته در آغاز سوره پدید آمده است، در قسمت عمده تفسیرها، در صحیح بخاری (ابن عاشور، ۵۷/۲۹) و در روایتی از حضرت صادق (ع) (طبرسی، مجمع البیان، ۴۹۶/۱۰) به چشم می‌خورد و مفهوم «سورة ن و القلم»، سوره این دو لفظ می‌باشد. (ابوداؤد، ۱۱۷/۲؛ سیوطی، الدر المنثور، ۲۵/۶؛ ابن حنبل، ۴۱۷/۱ - ۴۱۸ مسند عبدالله بن مسعود؛ ابن عاشور، ۵۸/۲۹) یعنی سوره‌ای که در آغاز آیه نخست خود این دو واژه را بجای داده است.

۶۸ - ۲ - سورة ق، ترمذی در جامعش برای سوره، این عنوان را قرار داده و برخی مفسران هم چنین کرده‌اند. (ابن عاشور، همانجا). این نام در خبری از ابن مسعود (همانجا؛ ابن حنبل، همانجا) و در روایتی از حضرت صادق (ع) (مجلسی، ۶۴/۷۹) به چشم می‌خورد. در این نام، به حرف مفردی که سوره بدان آغاز گشته، بسنده شده، چنانکه در سوره‌های «ص» و «ق» چنین شده است (ابن عاشور، ۵۷/۲۹).

### ۶۹ - الْحَاقَّة

۶۹ - ۱ - سورة السُّنْبُلَةِ، این نام را فیروزآبادی در بصائر ذوی التَّمییز آورده و به نظر می‌رسد برای آن سندی از روایات ارائه نداده است. او وجود این نام را به سبب ورود آن در سوره می‌داند: «ثمَّ قِي سُنْبُلَةٌ ذَرَعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْتَلْكُوهُ (حَاقَّةٌ / ۳۲) [ و اما کسی که کارنامه‌اش به دست چپش داده شود... (حَاقَّةٌ / ۲۵) ] پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید» (ابن عاشور، ۱۱۰/۲۹).

۶۹ - ۲ - الوَاعِيَةُ، جَعْبَرِي در منظومه‌ای که درباره ترتیب نزول سوره‌ها پرداخته، این نام را [ظاهراً بی‌ذکر سندی] آورده و محتمل است که از این آیه برگرفته باشد: «... وَ تَعِيَهَا أُنْ وَاَعِيَةٌ (حَاقَّةٌ / ۱۲): ... و گوشه‌های شنوا آن را نگاه دارد.» ابن عاشور

گوید: «پیش از او کسی را ندیدم که برای سوره، چنین نامی گفته باشد» (همانجا).

## ۷۰ - المعارج

۷۰ - ۱ - سورة سأل سائل، در خبری از امام باقر (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۵۲۷/۱۰)، و در صحیح بخاری، جامع ترمذی، تفسیر طبری، ابن عطیه و ابن کثیر، این سوره بدین عنوان نامبردار گشته است (ابن عاشور، ۱۱۰/۲۹). ابن عاشور گوید: «در برخی مصحفهای مخطوط که در قرن پنجم به خط کوفی نگاشته شده بود، سوره را با همین عنوان ملاحظه کردم» (همانجا).

۷۰ - ۲ - سورة الواقع، سیوطی این نام را، بی ذکر مأخذی آورده است (سیوطی، الاتقان، ۱۷۷/۱).

این دو نام و نام مشهور سوره - هر سه - از واژگانی که در آغاز سوره - آیه اول و سوم - برنشته، گرفته شده‌اند. ' و اخص' (ویژه‌ترین) شان نسبت به سوره، جمله «سأل سائل» است، چون نظیر آن در سوره‌ای دیگر موجود نیست. با این وجود نام غالب و شایع سوره، معارج است؛ چون کوتاه‌تر و سهل‌تر می‌باشد (ابن عاشور، همانجا).

## ۷۱ - نوح

۷۱ - ۱ - إنا أرسلنا نوحاً، این عنوان در روایتی از امام صادق (ع) به چشم می‌خورد (طبرسی، مجمع‌البیان، ۵۴۰/۱۰). بخاری در کتاب التفسیر صحیحش، همین عنوان را آورده، و شاید در کلام سلف هم، این عنوان رایج بوده است. ترمذی در جامعش، برای سوره عنوانی نیاورده است (ابن عاشور، ۱۱۵/۲۹).

۱ - آغازین آیه‌های سوره، چنین‌اند: «سأل سائل بعذاب واقع. لكافرين ليس له دافع. من الله ذي المعارج» (معارج: ۱ - ۳).

## ۷۲ - الجن

۷۲ - ۱ - سورة قُلْ أَوْحَىٰ، این عنوان که در واژه نخستین این سوره است، در روایتی از حضرت صادق (ع) دیده می‌شود. (طبرسی، ۵۵۰/۱۰). در مکتب‌خانه‌های قرآنی [در تونس و شمال آفریقا که مغرب جهان اسلام است] - نیز بر زبان مکتب‌داران (آموزگاران) و فراگیران، همین نام جاری است (ابن عاشور، ۲۱۶/۲۹).

۷۳ - المزمَل، این سوره را، نامی جز این نباشد (همانجا، ۲۵۹).

## ۷۴ - المدثر

۷۴ - ۱ - یا أَيُّهَا المدثر، در خبری از امام صادق (ع) این عنوان که آیه نخست سوره می‌باشد، نامی برای آن گشته است (مجلسی، ۳۱۵/۸۶).

## ۷۵ - القيامة

۷۵ - ۱ - سورة لا اقسَم، این عنوان را آلوسی، بی‌ذکر مأخذی، بیان کرده است (آلوسی بغدادی، ۲۳۳/۱۶؛ ابن عاشور، ۲۳۶/۲۹).

۷۵ - ۲ - لا اقسَم بیوم القيامة، این عنوان در خبری از ابن مسعود آمده و از نوع نامیدن یک سوره به آغازین آیه اوست (ابن حنبل، ۴۱۷/۱ - ۶۱۸؛ ابوداود، ۱۱۷/۲).

## ۷۶ - الإنسان

۷۶ - ۱ - هل أتى على الإنسان، این عنوان، از نوع نامیدن سوره به بخشی از آیه نخستین است. و در زمان اصحاب رسول خدا (ص)، چنین نامیده می‌شده است و در اخباری از ابو هریره (ابن عاشور، ۳۹۶/۲۹؛ ابن ماجه، ۲۶۹/۱)، ابن عباس (ابن حنبل، ۳۴۰/۱، ۳۵۴، ۳۶۱؛ مسند عبدالله بن عباس؛ نسائی، ۴۹۷/۲ و ۱۲۴/۳؛ ابن ماجه، همانجا) و ابن مسعود (ابن ماجه، ۲۷۰/۱) به چشم می‌خورد و در خبری از امام باقر (ع) چنین نقل شده است: «پیامبر (ص) درباره علی (ع) فرمود: «معاشر الناس... لاشهد الله



بِالْحَيَّةِ فِي هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ إِلَّا نَهْ» (مجلسی، ۲۱۰/۳۷). کوتاه شده این عنوان: «هل أتى» در روایاتی از ابن مسعود (ابن حنبل، ۴۱۷/۱ - ۴۱۸)، امام باقر (ع) و ابن عباس (طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۰۸/۱۰، ۶۱۳) آمده است.

۷۶ - ۲ - سورة الدهر، (همانجا؛ ابن‌عاشور، ۳۶۹/۲۹) در بسیاری مصحفها، چنین نامیده شده است؛ اما با وجود پی‌جویی در جوامع روایی، این نام در روایتی رخ ننمود. این نام در مطّوع سوره (آیه نخست) رخ نموده است.

۷۶ - ۳ - سورة الأمشاج، این نام را خفاجی بیان داشته و علت آن، ورودش در همین سوره بوده است: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نَظْفٍ أَمْشَاجٍ...» (انسان/۲): ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم...» (ابن‌عاشور، همانجا).

۷۶ - ۴ - سورة الأبرار، این نام را طبرسی بیان داشته و علت آن، ورودش در همین سوره بوده است: «إِنَّ الْأَبْرَارَ يَشْرَبُونَ مِنْ كَأْسٍ كَانَ مِزَاجُهَا كَافُورًا» (انسان/۵): به یقین نیکان از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است» (طبرسی، همانجا).

## ۷۷ - المرسلات

۷۷ - ۱ - سورة والمرسلات عرفاً، در زمان صحابه چنین نامیده می‌شده است و در روایاتی از عبدالله بن مسعود (ابن‌عاشور، ۴۱۷/۲۹)، عبدالله بن عباس (همانجا؛ - مالک - ابن‌انس، ۷۸/۱)، و در خیر مشابهی از ابن عباس که این ماجه نقل کرده و «واو» محذوف است: «المرسلات عرفاً» (ابن‌ماجه، ۲۷۲/۱).

## ۷۸ - النبأ

۷۸ - ۱ - سورة عمّ يتساءلون، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به آغازین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۲۱۲/۵ و ۶۷۰/۱۰؛ قرطبی، ۱/۹؛ ترمذی، ۴۰۲/۵؛ حاکم نیشابوری، ۳۷۴/۲؛ مجلسی، ۱۹۲/۱۶ و ۱۹۹/۱۹)، ابن مسعود (ابن‌مسعود، ۱۱۵/۲۹)، صادقین (ع) (مجلسی، ۲۳۹/۱۴)، امام صادق (ع)

(طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۶۲۷) و در برخی مصحفها، در صحیح بخاری، در تفسیر ابن عطیة و در تفسیر کشاف مذکور افتاده است (ابن‌عاشور، ۵/۳۰؛ زمخشری، ۴/۶۸۳).  
کوتاه شده این عنوان («سورة عمّ») در تفسیر قرطبی و الإتقان آمده است (قرطبی، ۱۰/۱۴۸؛ سیوطی، الإتقان، ۱/۱۷۶).

۷۸ - ۲ - سورة التّساؤل، این عنوان مصدر فعل يتساءلون در آیه نخست می‌باشد و سیوطی آن را بی‌ذکر مأخذی آورده است (سیوطی، همانجا؛ ابن‌عاشور، همانجا).  
۷۸ - ۳ - سورة المُعْصِرَات، سیوطی این نام را بی‌ذکر مأخذی آورده، این کلمه در همین سوره ذکر شده است: «و أنزلنا من المُعْصِرَاتِ ماءً حَمَاحاً (نبأ/ ۱۴): و از ابرهای متراکم، آبی ریزان فرود آوردیم» (سیوطی، همانجا؛ ابن‌عاشور، همانجا).

## ۷۹ - النَّازِعَات

۷۹ - ۱ - والنّازعات، در کتاب التفسیر از صحیح بخاری و در بسیاری از نبشثارهای مفسران این عنوان به چشم می‌خورد (ابن‌عاشور، ۵۹/۳۰) و از نوع نامیدن یک سوره به نخستین واژگان اوست.

۷۹ - ۲ - سورة السّاهرة، سعدالله مشهور به سعدی، و خفاجی این نام را برای سوره آورده‌اند (همانجا)؛ از آن روی که در همین سوره ذکر شده و در سوره‌ای دیگر مذکور نیفتاده است: «فإذاهم بالسّاهرة (نازعات/ ۱۴): و به ناگاه آنان در زمین هموار [در عرصه محشر] خواهند بود».

۷۹ - ۳ - سورة الطّائفة (همانجا)، مانند مورد پیشین: «فإذا جمعت الطّائفة الكُبرى (نازعات/ ۳۴): پس آنگاه که آن هنگامه بزرگ در رسد، [شود آنچه شود!]».

۷۹ - ۴ - سورة فالدّبرّات، این نام را ابن‌عاشور ذکر کرده و درباره آن توضیح داده است: در مصحفی که به خط تونسسی نگاشته بود، این نام را یافتیم، که نامی شگفت و ناآشناست. (همانجا). سبب این نامگذاری، ورود آن در این سوره و نیامدنش در دیگر

سوره هاست: «فَالْمَدْبَرَاتِ أَمْ أَرْأَىٰ أُنْجُوتَ / ۵): و [سوگند به فرشتگانی که] کار[ها] را تدبیر کنند».

### ۸۰ - عیس

۸۰ - ۱ - عیس و تَوَلَّى. در این عنوان، سوره به آیه نخستش نامیده شده است و در اخباری از هشام بن عروه به نقل از پدرش (مالک ابن انس، ۲۰۳/۱)، عایشه (حاکم نیشابوری، ۵۵۸/۲) و امام صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۶۱/۱۰) دیده می‌شود.

۸۰ - ۲ - سورة ابن أم مكتوم، ابن عاشور گوید: در احکام ابن عربی این نام ذکر شده و ندیدم که دیگری چنین گفته باشد (ابن عاشور، ۱۰۱/۳۰). این عنوان، کنیه مرد نابینای بینادل حق‌گرایی است که نخستین بار، سبب‌ساز نزول این سوره گردید.

۸۰ - ۳ - سورة الصّاحّة، این نام را که در آیه ۳۳ آمده، خفاجی ذکر کرده (همانجا) و مفهومش آن بانگ و فریاد گوش‌خراشی است که چون بیاید، در پی او، خویشاوندان از هم می‌رمند و می‌گریزند: «فإذا جاءت الصّاحّة». این کلمه فقط در همین سوره مذکور افتاده است.

۸۰ - ۴ - سورة السّفرة، «العینی» در شرح صحیح بخاری چنین گفته است (همانجا). این واژه که در آیه پنزدهم قرار دارد به معنی سفیرانی از فرشتگان است که حامل وحی‌نامه خداوندگارند: «كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ... فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ (آیه ۱۱ و آیه ۱۳) ... بآیدی سَفَرَة (آیه ۱۵)». این واژه تنها در همین سوره رخنمایی کرده است.

۸۰ - ۵ - سورة الأعمی، همو در همانجا چنین گفته است. (همانجا). این کلمه در آیه دوم جای دارد و مراد از آن عبدالله بن ام مکتوم است که نابینا بود و سبب نزول این آیات گشت: «عَسَىٰ وَ تَوَلَّىٰ. أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَى».

۸۰ - ۶ - جمع‌بندی، برای هیچ یک از چهار نام اخیر، مأخذی و سندی ذکر نشده و نامیدن سوره به هر یک از این چهار عنوان یا از نوع نامگذاری سوره به واژگانی

است که در همان سوره ذکر شده و در سوره‌های دیگر ذکر نشده‌اند و بنا اساساً در هیچ جای قرآن نیامده‌اند و یا از نوع نامیدن سوره به چهره اصلی و قهرمان داستانی است که سبب نزول سوره می‌باشد.

### ۸۱- التکویر

۸۱- ۱- إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به آیه آغازینی اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (حاکم نیشابوری، ۵۶۰/۲)، ابن مسعود (ابن حنبل، ۴۱۷/۱ - ۴۱۸) «مسند عبدالله بن مسعود»؛ ابوالفرد، ۱۱۷/۲؛ ابن عاشور، ۵۷/۲۹)، امام کاظم (ع) (= العالم) (مجلسی، ۴۲/۸۲)، صادقین (ع) (همو، ۲۳۹/۸۴)، مذکور افتاده و در صحیح بخاری، جامع ترمذی، و تفسیر طبری نیز همین عنوان آمده است (ابن عاشور، ۱۳۹/۳۰).

### ۸۲- الإنفطار

۸۲- ۱- سوره إِذَا السَّمَاءُ انفطرت، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به آیه نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (همانجا، ۱۶۹؛ نسائی، ۵۱۳/۲)، امام کاظم (ع) (مجلسی، ۴۲/۸۲) و امام صادق (ع) (طبرسی، مجمع البیان، ۱۰/۶۷۹) به چشم می‌خورد. در پاره‌ای تفاسیر و در کتاب التفسیر صحیح بخاری نیز، همین عنوان آمده است.

۸۲- ۲- سوره انفطرت، در تفاسیر اندک شماری، چنین آمده است. این واژه، کلمه ردیف است در آیه نخست: «إِذَا السَّمَاءُ انفطرت: آن گه که آسمان ز هم بشکافت!».

۸۲- ۳- سوره المنفطرة، این نام را هم که گفته‌اند [و شنیده‌ایم]، صفت است برای موصوف محذوف، یعنی: السماء المنفطرة: (ابن عاشور، ۱۶۹/۳۰) آسمان بشکافته و از هم گسیخته و چاک چاک.

### ۳ - المطفّفين

۸۳ - ۱ - سورة ويل للمطفّفين، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به آیه آغازینی اوست، در احادیثی از ابن مسعود (همو، ۵۷/۲۹؛ ابن حنبل، ۴۱۷/۱ و ۴۱۸؛ ابوداؤد، ۱۱۷/۲) و امام صادق (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۶۱۵/۱۰) و در مکتوبات روایی و در برخی تفسیرها آمده است. بخاری در کتاب التفسیر از صحیحش و ترمذی در جامعش، همین عنوان را برای سوره در نظر گرفته‌اند (ابن عاشور، ۱۸۷/۳۰).

۸۳ - ۲ - سورة التطفیف، مفسران و نگارندگان مصحفها، به اعتبار مفهوم (کم‌فروختن)، این نام را - که در اصل به معنای کم‌کاهیدن است - بر سوره نهاده‌اند. (همو، ۲۱۷/۳۰). این واژه، مصدر باب تفعیل و نام مشهور سوره، اسم قاعل همین مصدر است.

### ۸۴ - الإنشاق

۸۴ - ۱ - سورة إذا السماء انشقت، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به آیه نخست اوست، در احادیثی از ابوسلمه (همانجا) و امام باقر (ع) (مجلسی، ۱۷/۶۶) به چشم می‌خورد و بخاری، ترمذی و سیوطی هم در الإقتان، با همین عنوان از سوره نام برده‌اند. مفهوم این آیه چنین است: آن‌گه که آسمان بدره و شود «چاک از گریبان تا به دامن!».

مفسران و نگارندگان مصحفها، برای رعایت اختصار، عنوان سوره را، «سورة انشقت» نهاده‌اند (ابن عاشور، همانجا).

۸۴ - ۲ - (سورة) کذّح ابن عاشور گوید: حَعبَری در منظومه‌ای که پرداخته و در آن سوره‌های مکی و مدنی را بر می‌شمارد، از این سوره، با عنوان «کذّح» نام برده است که احتمال می‌رود مقصود او نام سوره باشد. به هر حال در جایی دیگر، نظیر آن را ندیده‌ام. (همانجا). این واژه در آیه ششم جای دارد: «یا أيّها الإنسان إنک کاذحٍ علی

رَبِّكَ كَذْحًا فَمُلَاقِيهِ: ای انسان! حَقًّا که تو به سوی پروردگار خود، به سختی در تلاشی، و سرانجام او را ملاقات خواهی کرد.

### ۸۵- البروج

۸۵- ۱- و السماء ذات البروج، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به آیه آغازینی اوست، در حدیثی از پیامبر (ص) مذکور افتاده است (طبرسی، مجمع البیان، ۷۹۱/۱۰).

۸۵- ۲- السماء ذات البروج، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به قسمتی از آیه نخست اوست، در احادیثی از ابوهریره (ابن عثور، ۱۳۶/۳۰) و جابر بن سمره (نسائی، ۵۰۶/۲) به چشم می‌خورد.

### ۸۶- الطارق

۸۶- ۱- و السماء و الطارق، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره، به آیه نخست اوست، در حدیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع البیان، ۷۹۱/۱۰)، تفسیر طبری و احکام ابن العربی (ابن عثور، ۲۵۷/۳۰) به چشم می‌خورد.

۸۶- ۲- السماء و الطارق، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به بیشترین بخش از آیه آغازینی اوست، در احادیثی از ابوهریره (همانجا) و جابر بن سمره (نسائی، همانجا) دیده می‌شود.

### ۸۷- الأعلى

۸۷- ۱- سُبْحَ اسْمِ رَبِّكَ الْأَعْلَى، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به آیه نخست اوست، در خبرهایی از پیامبر (ص) (نسائی، ۵۰۸/۵، ۵۱۳؛ ابوداود، ۵۰۰/۲؛ ابن حنبل، ۳۰۰/۳، ۳۰۸، ۳۶۹؛ مستد جابر بن عبدالله انصاری «مسلم بن حجاج، ۲۹۸/۱ - ۲۹۹)، انس بن مالک (نسائی، ۵۰۳/۲)، سمرة (همو، ۱۲۴/۳ - ۱۲۵)، ابی بن کعب

(همانجا، ۲۷۱ - ۲۷۴)، عبدالله بن زبیر (سیوطی، الدرالمشور، ۳۳۷/۶)، علی (ع)، ابن عباس (طبرسی، مجمع البیان، ۷۱۷/۱۰)، امام کاظم (ع) (مجلسی، ۲۵/۸۲)، امام رضا (ع) (همانجا، ۲۷) و امام صادق (ع) (همو، ۳۱۱/۱۶) به چشم می‌خورد.

۸۷ - ۲ - سورة سَبَّحُ: این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره، به‌آغازین واژه اوست، از عایشه بازگو شده است. بیضاوی و ابن کثیر نیز همین عنوان را، نام سوره قرار داده‌اند و سپس آن بوده که ساختار مفرد مذکر امر مخاطب از ماده «س. ب. ح»، تنها در طلیعه این سوره رخ نموده و در آغاز سوره‌ای دیگر، رخ نموده است، (ابن عاشور، ۲۷۲/۳۰).

### ۸۸ - الغاشیة

۸۸ - ۱ - هل أتاکَ حدیثُ الغاشیة: این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به آیه نخست اوست، در روایاتی از انس بن مالک (نسائی، ۵۰۳/۲)، عُمَرَة (همو، ۱۲۴/۳ - ۱۲۵) و نعمان بن بشیر (ابن عاشور، ۲۹۳/۳۰) دیده می‌شود؛ و در صحیح بخاری هم، همین عنوان برای سوره مذکور افتاده است (همانجا).

۸۸ - ۲ - سورة هل أتاکَ: این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای، به پاره‌ای از آیه نخست اوست، در تفسیر ابن عطیه مذکور افتاده است (همانجا).

### ۸۹ - الفجر

۸۹ - ۱ - (سورة) و الفجر: این عنوان که از نوع نامیدن سوره به آغازین آیه اوست، در خیرهایی از ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۳۴۴/۶، الإقتان، ۳۱/۱ - ۳۲)، عبدالله بن زبیر (همو، الدرالمشور، ۳۴۴/۶) و عایشه (همانجا)، دیده می‌شود.

### ۹۰ - البلد

۹۰ - لا أقسم بهذا البلد: این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به نخستین آیه

اوست، در خبرهایی از ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۱۵۱/۶، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲) و ابن زبیر (همو، الدرالمشور، ۱۵۱/۶) آمده است.

### ۹۱ - الشمس

۹۱ - ۱ - و الشمس و ضحاها، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در احادیثی از ابن عباس (همو، همانجا، ۳۵۵، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲)، ابن اثیر (همو، الدرالمشور، ۳۵۵/۶) و امام صادق (ع) (مجلسی، ۲۹۷/۷)، ذکر شده است. برخی از مفسران و بخاری نیز همین عنوان را آورده‌اند تا این سوره با سوره «تکویر» که در آغاز آن واژه «الشمس» آمده است، اشتباه نگردد (ابن عاشور، ۳۶۵/۳۰).

۹۱ - ۲ - الشمس و ضحاها، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به بخشی از آیه نخست اوست، در حدیثی از پیامبر (ص) آمده است (ابن حنبل، ۳۰۰/۳، ۳۰۸، ۳۶۹ «مسند جابر بن عبدالله انصاری»؛ ابوداود، ۵۰۰/۲؛ نسائی، ۵۰۸/۵، ۵۱۳).

### ۹۲ - اللیل

۹۲ - ۱ - و اللیل إذا یغشی، این عنوان که از نوع نامیدن سوره به آغازین آیه اوست، در اخباری از جابر بن سمره (نسائی، ۵۰۶/۲)، امام باقر (ع) (مجلسی، ۱۵/۶۶ - ۹۰؛ کلینی، ۳۳/۲) و امام صادق (ع) (مجلسی، ۲۹۷/۷) به چشم می‌خورد. بخاری و ترمذی هم، همین عنوان را در طلیعه سوره نهاده‌اند (بخاری، [طبع دار الفکر] ۸۴/۶؛ ابن عاشور، ۳۷۷/۳۰).

۹۲ - ۲ - اللیل إذا یغشی، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به قسمتی از نخستین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (نسائی، ۵۰۸/۵، ۵۱۳؛ ابوداود، همانجا؛ ابن حنبل، همانجا)، از ابن عباس و ابن زبیر (سیوطی، الدرالمشور، ۳۵۷/۶، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲) دیده می‌شود.

۹۲ - ۳ - سورة و اللیل، این عنوان که از قسم نامیدن یک سوره به پاره‌ای کوچک



از آغازین آیه اوست، به گفته ابن عاشور در بیشتر تفسیرها مذکور افتاده است (ابن عاشور، همانجا).

### ۹۳ - الضحی

۹۳ - ۱ - و الضحی، این عنوان که از نوع نامیدن سوره به آغازین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (نسائی، همانجا؛ ابوداود، همانجا؛ ابن حنبل، همانجا)، ابن عباس (سیوطی، الدر المنثور، ۳۶۰/۶، الإقتان، همانجا)، امام صادق (ع) (مجلس، ۲۹۷/۷ و ۴۵/۱۲) و امام کاظم (ع) (همو، ۴۱/۱۲) مذکور افتاده است.

### ۹۴ - الشرح

۹۴ - ۱ - سورة ألم تشرح (ابن عاشور، ۳۹۳/۳۰). این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به بخشی از نخستین آیه اوست، در خبرهایی از ابن عباس (سیوطی، الدر المنثور، ۳۶۳/۶؛ همو، الإقتان، ۳۱/۱ - ۳۲)، عبدالله بن زبیر و عایشه (همانجا) و امام صادق (ع) (مجلسی، ۴۵/۱۲) به چشم می‌خورد. در بسیاری تفسیرها و در صحیح بخاری و جامع ترمذی نیز، چنین نامیده شده است (ابن عاشور، ۴۰۷/۳۰؛ بخاری، [طبع دارالفکر/ ۱۶۷/۶]).

۹۴ - ۲ - سورة الإنشراح، این نام که مصدر ثلاثی مزید از باب انفعال است، در پاره‌ای تفسیرها دیده می‌شود. (ابن عاشور، ۴۰۷/۳۰) این واژه از ساختار مضارع ثلاثی مجرد - نشر - در آیه نخست سوره، گرفته شده است.

### ۹۵ - التین

۹۵ - ۱ - و التین و الزیتون، این عنوان که از نوع نامیدن سوره به آیه نخست اوست، در خبری از براء بن عازب و... نمود یافته است (طبرسی، مجمع البیان، ۱۰/۷۷۴).

۹۵ - ۲ - (سورة) التین و الزیتون، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به بخش اعظم آیه نخست اوست، در خبرهایی از براء بن عازب (نسائی، ۵۱۴/۲؛ مالک -

ابن آنس - ۱۰/۱)، به چشم می‌خورد.

۹۵ - ۳ - سورة و التین، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به جزئی از آیه نخست اوست، از علی (ع) (مجلسی، ۲۱۷/۱۹)، امام کاظم (ع) (همو، ۴۲/۱۲)، ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۳۶۵/۶؛ همو، الإقتان، ۳۱/۱ - ۳۲) و ابن زبیر (همو، الدرالمشور، ۳۶۵/۶)، نقل شده است و در بسیاری کتابهای تفسیر و مصحفها، همین عنوان دیده می‌شود. (ابن عاشور، ۴۱۹/۳۰) همین عنوان، در روایتی از عمرو بن میمون ازدی هم، آمده است (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۲۷/۱۰).

#### ۹۶ - العلق

۹۶ - ۱ - سورة إقرأ باسمِ الَّذِي خَلَقَ، این عنوان را که از نوع نامیدن یک سوره به نخستین آیه اوست، بخاری بیان داشته [و در کتاب التفسیر صحیحش، عنوان سوره قرار داده] است (ابن عاشور، ۴۳۳/۳۰؛ بخاری، [طبع دارالفکر] ۱۷/۶).

۹۶ - ۲ - سورة إقرأ باسمِ رَبِّكَ، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به بخشی از نخستین آیه اوست، در عصر صحابه و تابعان نامور بوده است (ابن عاشور، همانجا)؛ و در روایاتی از پیامبر (ص) (نسائی، ۵۱۳/۲)، عایشه، اُبی سلمه بن عبدالرحمان، اُبی رجاء عطاری، مجاهد، زُهَری (ابن عاشور، همانجا)، و امام صادق (ع) (مجلسی، ۱۶۹/۱۲) آمده و ترمذی [نیز در جامعش برای سوره] همین عنوان را گزین کرده است (ابن عاشور، همانجا).

۹۶ - ۳ - سورة إقرأ، این عنوان که از نامیدن یک سوره به آغازین واژه و به جزئی از آیه نخست اوست، - ظاهراً - مستند روایی ندارد (همانجا).

۹۶ - ۴ - سورة إقرأ و العلق، کواشی در التلخیص چنین نامش نهاده است. (همانجا).

۹۶ - ۵ - سورة القلم، این نام که از نوع نامیدن یک سوره به واژه‌ای از آیه‌های

آغازینی اوست: (آیه چهارم: *الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ*)، عنوانی است که ابن عطیه و ابوبکر بن العری به سوره داده‌اند. این اسمی است که «سوره ن و القلم» را بدان نامیده‌اند، اما کسانی که سوره «علق» را «قلم» می‌نامند، آن دیگر سوره (قلم) را، «ن» می‌خوانند، تا از یکدیگر متمایز باشند (همانجا).

### ۹۷ - الْقَدْر

۹۷ - ۱ - سوره *إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ*، این عنوان که از قسم نامیدن سوره‌ای به نخستین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (مجلسی، ۳۶۰/۱۸)، علی (ع) (همو، ۳۸۲/۹۴)، ابن عباس و عایشه (سبوطی، الدر المنثور، ۳۶۵/۶؛ همو، الإنقان، ۳۱/۱ - ۳۲) و امام صادق (ع) (مجلسی، ۳۱۱/۱۶)، پدیدار است.

۹۷ - ۲ - سوره *لَيْلَةُ الْقَدْرِ*، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به بخشی از آیه نخست اوست، در تفسیر ابن عطیه و در *أحكام القرآن* ابوبکر خصاص، چهره نموده است. (ابن عاشور، ۴۵۵/۳۰) این عنوان، سه بار به همین صورت در آیات اول تا سوم، و دو بار نیز به شکل ضمیر در آیه‌های چهارم و پنجم سوره، مذکور افتاده است.

### ۹۸ - الْبَيِّنَةُ

۹۸ - ۱ - سوره *لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا*، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به چند واژه آغازینی نخستین آیه اوست: (*لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُتَفَكِّينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ*: بینه: ۱) -، در حدیثی از پیامبر (ص) نمودار است: بخاری و مسلم از انس بن مالک روایت کرده‌اند که پیامبر (ص) به ابی بن کعب فرمود: «إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي أَنْ أَقْرَأَ عَلَيْكَ لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا». ابی بن کعب پرسید: «خداوند از من نام

۱ - مقصود، سوره «القلم» یعنی شصت و هشتمین سوره قرآن کریم است.

برود؟! پیامبر (ص) فرمود: «آری!» ابی - از شادی - ذرّ اشک شوق به نوک مژگان سفت. آن جا که پیامبر (ص) به ابی بن کعب فرمود: «از خداوند فرمان دارم تا بر تو «لسم یکن الذین کفروا» را برخوانم، بدیهی است که مقصود وی - کلّ - سوره بوده که با آغازین جمله اش از آن نام برده است (ابن عاشور، ۶۷/۳۰).

۹۸ - ۲ - سوره لم یکن، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به جزئی از واژگان آغازینی نخستین آیه اوست، در حدیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع البیان، ۷۹۱/۱۰)، و در بیشتر نوشتارهای تفسیری و روایی مذکور افتاده و در میان اهالی مکتب خانه های تونس [در مغرب جهان اسلام] نام آور است (ابن عاشور، همانجا).

۹۸ - ۳ - سوره القیمة، این نام که از نوع نامیدن سوره ای به واژه ای از آیه های نخست اوست، (آیه سوم: فیها کُتِبَ قِیْمَةٌ) و به معنی استوار و مستقیم می باشد، در بیشتر مصحفها و پاره ای تفسیرها ذکر شده است (ابن عاشور، همانجا) شایان یادآوری است که این واژه در میانه سوره نیز وجود دارد: ... و ذلک دین القیمة: آیه پنجم.

۹۸ - ۴ - سوره اهل الکتاب، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به جزئی از واژگان آیه نخستین اوست، در مصحف ابی بن کعب، مضبوط بوده است (سیوطی، الاتقان، ۱۷۶/۱).

۹۸ - ۵ - سوره القیامة، سیوطی این نام را ذکر کرده است (همانجا) که ظاهراً نادرست و شکل تصحیف شده «القیمة» می باشد - که پیش از این آوریم -، چون کلمه «القیامة»، اساساً در این سوره نیامده است.

۹۸ - ۶ - سوره الإنفکاک، این نام که از نوع نامیدن سوره ای به مصدر یکی از واژگان (منفکین) نخستین آیه او و به معنای (جدا و سوا شدن - دست برداشتن) می باشد، بی ذکر مأخذ و سندی در الاتقان ذکر شده است (همانجا).

۹۸ - ۷ - سوره البریة، این نام که از قسم نامیدن سوره ای به واژه ای در آیه های انجامینی اوست، و به معنی (آفریدگان و مردم) می باشد، بی ذکر مأخذ و سندی در

الإتقان مذکور افتاده است. (همانجا) آیه‌هایی که در بردارندهٔ این نام‌اند، عبارتند از: (آیهٔ ششم: إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ) و آیهٔ هفتم: إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ).  
 بدین ترتیب، این سوره هشت (۸) نام و عنوان دارد!

## ۹۹ - الزلزلة

۹۹ - ۱ - إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به آغازین آیهٔ اوست، در حدیثی از پیامبر (ص) دیده می‌شود (مجلسی، ۹۸/۸۴).

۹۹ - ۲ - (سورة) إِذَا زُلْزِلَتْ، این عنوان که از قسم نامیدن سوره‌ای به آغازین واژگان آیهٔ نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۷۹۶/۱۰)، علی (ع) (مجلسی، ۳۸۲/۹۴)، ابن عباس (سیوطی، الدر المنثور، ۳۷۹/۶؛ الإتقان، ۳۱/۱) امام کاظم (ع) (مجلسی، ۴۲/۸۲)، و در حدیثی از انس بن مالک - که ترمذی، مرفوعش دانسته است - و در حدیثی از عبدالله بن عمرو [عاص]، به چشم می‌خورد. بخاری و ترمذی نیز سوره را با همین عنوان نشان‌دار کرده‌اند (ابن عسور، ۴۸۹/۳۰).

۹۹ - ۳ - (سورة) زلزلت، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به جزئی از آیهٔ نخست اوست، در مصحفی از قیروان، به خط کوفی کهن، و در تفسیر ابن عطبة مذکور افتاده است (همانجا).

۹۹ - ۴ - سورة الزُّلْزَالِ، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به بخشی از کلمه ردیف در آیهٔ نخست اوست، در بسیاری مصحفها و تفسیرها، عنوان سوره گشته است (همانجا).

۱ - قیروان، شهری است در بخش شمال خاوری کشور تونس که عقبه بن نافع آن را بنا نهاد. (بعلبکی، ۹۳۵/۲).

## ۱۰۰ - العاديات

۱۰۰ - ۱ - و العاديات، این عنوان که از گونه نامیدن سوره‌ای به آغازین واژگان آیه نخست اوست، در حدیثی از ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۳۸۳/۶؛ الإیتقان، ۳۱/۱) و در پاره‌ای از تفسیرها، آمده است (ابن عاشور، ۴۹۷/۳۰).

## ۱۰۱ - القارعة، نامی دیگر، یافت نشد.

## ۱۰۲ - التكاثر

۱۰۲ - ۱ - ألهاکم التکاثر، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (مجلسی، ۱۷۶/۱۸۴ و ۳۳۷/۱۹)، ابن عمر در خبری مرفوع (سیوطی، الإیتقان، ۱۱۲۷/۲)، علی (ع) (مجلسی، ۳۸۲/۹۴) و ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۳۸۶/۶؛ همو، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲) دیده می‌شود.

۱۰۲ - ۲ - سورة ألهاکم، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به نیمی از آیه نخست اوست، در پاره‌ای مصحفها و در کتاب التفسیر صحیح بخاری، به چشم می‌خورد (ابن عاشور، ۵۱۷/۳۰).

۱۰۲ - ۳ - المقبرة، أوسی گوید: ابن ابی حاتم از سعید بن ابی هلال، چنین روایت کرده است: «کان أصحاب رسول الله (ص) یُسَمُّونها المقبرة». (همانجا) این نام که به معنای گورستان و مفرد مقابر است، با ساختار جمع خود، در آیه دوم همین سوره، رخنمایی می‌کند: «ألهاکم التکاثر. حتی زرتم المقابر» (آیه اول و دوم).

## ۱۰۳ - العنصر

۱۰۳ - ۱ - سورة والعنصر، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به نخستین آیه اوست، در دو خبر از ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۳۹۱/۶؛ همو، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲)، در برخی تفسیرها و در صحیح بخاری (ابن عاشور، ۵۲۷/۳۰) مذکور افتاده است.

## ۱۰۴ - الهمزة

۱۰۴ - ۱ - (سورة) وَيَلِّ لِكُلِّ هَمْزَةٍ لَمْزَةً، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در خبری از ابن عباس (سیوطی، الدر المنثور، ۳۹۲/۶؛ همو، الإتقان، ۳۱/۱ - ۳۲)، در پاره‌ای تفاسیر و در صحیح بخاری آمده است (ابن عاشور، ۵۳۵/۳۰).

۱۰۴ - ۲ - سورة الحطمة، این عنوان را که از نوع نامیدن سوره به کلیدواژه‌ای در میانه اوست، فیروزآبادی در بصائر ذری التمییز آورده (همانجا) و سبب آن هم ورود این واژه در سوره بوده است: «كَلَّا كَبْتَدَنَّ فِي الْحُطْمَةِ. و ما أدراك ما الحُطْمَةُ. تَارُ اللَّهُ الْمُوقَدَةَ (همزة/ ۴ - ۶): «ولی نه! قطعاً در آتش خردکننده فروافکنده می‌شود و توجه می‌دانی که آن آتش خردکننده چیست! آتش افروخته خدا [بی] است.» در قرآن کریم، این کلمه دو بار و اختصاصاً در همین سوره، رُخنمایی کرده است.

## ۱۰۵ - الفیل

۱۰۵ - ۱ - (سورة) أَلَمْ تَرَ كَيْفَ، این عنوان که از گونه نامیدن یک سوره به آغازین کلمات آغازین آیه اوست، در خبری از امام کاظم (ع) (مجلسی، ۴۱/۸۲)، امام صادق (ع) و یکی از دو امام همام باقر و صادق (ع) (طبرسی، مجمع البیان، ۱۰/۱۲۷) آمده است.

۱۰۵ - ۲ - (سورة) أَلَمْ تَرَ، این عنوان را که از جهت نوع نظیر مورد پیشین است، قرطبی در تفسیر سورة قریش، از عمرو بن میمون روایت کرده است. (ابن عاشور، ۵۴۳/۳۰). بخاری نیز، همین عنوان را برای سوره بیان داشته است (همانجا).

## ۱۰۶ - قریش

۱۰۶ - ۱ - لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ، این عنوان که از قسم نامیدن سوره‌ای به آغازین آیه اوست، در اخباری از ابن عباس (سیوطی، الدر المنثور، ۳۹۹/۶؛ همو، الإتقان، ۳۱/۱ - ۳۲)، امام صادق (ع)، و یکی از دو امام همام باقر و صادق (ع)، به چشم می‌خورد (طبرسی، همانجا).

## ۱۰۷ - الماعون

۱۰۷ - ۱ - سورة أَرَأَيْتَ الَّذِي، این عنوان را که از نوع نامیدن سوره‌ای به آغازین واژگان نخستین آیه اوست، این عظیمه بر پیشانی سوره نشانده است (ابن عاشور، ۵۶۳/۳۰).

۱۰۷ - ۲ - سورة أَرَأَيْتَ، این عنوان - که چون مورد قبلی است - در پاره‌ای تفسیرها، در صحیح بخاری، در الإِتْقَان و در مصحفی از مصحفهای قَسَبِرَوَان مربوط به سده پنجم هجری آمده و کواشی نیز در التلخیص همین عنوان را برای سوره بیان داشته است (همانجا؛ سیوطی، الإِتْقَان، ۱/۱۷۶).

۱۰۷ - ۳ - سورة التَّكْذِيبِ، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به مصدر فعلی (يَكْذِبُ) از آیه نخست اوست، در حاشیه خفاجی و حاشیه سعدی مذکور افتاده است (ابن عاشور، همانجا).

۱۰۷ - ۴ - سورة الدِّينِ، این عنوان را که از نوع نامیدن یک سوره به واژه‌ای است که کلمه ردیف و همبر و همسنگ کلمه قافیه و سجع - در شعر و در نثر مسجع - می‌باشد و در آیه نخست سوره جای گرفته، کواشی در التلخیص و سیوطی در الإِتْقَان ذکر کرده‌اند (همانجا؛ سیوطی، همانجا).

۱۰۷ - ۵ - سورة الْيَتِيمِ، این عنوان که از قسم نامیدن سوره‌ای به واژه‌ای از دومین آیه اوست، بقاعی در «نظم الدرر» آورده است. (ابن عاشور، همانجا) آیه دوم: «فَذَلِكِ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ».

## ۱۰۸ - الكوثر

۱۰۸ - ۱ - إنا أعطيناكَ الْكُوثَرَ، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به نخستین آیه اوست، در اخباری از علی (ع) (مجلسی، ۳۸۲/۹۴)، ابن عباس، عایشه، ابن زبیر (سیوطی، الدر المنثور، ۴۰۱/۶) و در صحیح بخاری مذکور افتاده است (ابن عاشور، ۵۷۱/۳۰).



۱۰۸ - ۲ - سورة التَّحْرِ، این‌عنوان را که از نوع‌نامیدن سوره‌ای به‌مصدر فعلی در آیه دوم اوست، سعدالله، مشهور به سعدی در حاشیه خود بر تفسیر بیضاوی از بقاعی بازگو کرده و بیان داشته که بقاعی چنینش می‌نامیده است (ابن عاشور، همانجا).

### ۱۰۹ - الكافرون

۱۰۹ - ۱ - قل يا أيها الكافرون، این‌عنوان که از گونه‌نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۱۳۹؛ مجلسی، ۳۲۶/۱۶)، جابر بن عبدالله (نسائی، ۵/۲۶۱)، ابی بن کعب (همو، ۳/۲۷۱ - ۲۷۴)، انس بن مالک، ابن عباس (سیوطی، الدرالمشور، ۶/۴۰۴؛ همو، الإقتان، ۲/۱۱۲۷)، علی (ع) (مجلسی، ۱۲/۳۰)، ابن زبیر (سیوطی، الدرالمشور، ۶/۴۰۴)، علی بن الحسین زین‌العابدین (ع) (مجلسی، ۳۵/۸۸)، امام جعفر صادق (ع) (همو، ۱۳/۱۹۵ و ۱۲/۴۵) و ۱۵/۲۳ و ۱۰/۳۱۰؛ ابن عاشور، ۲۱/۲۰۳؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۰/۱۳۹)، حضرت موسی بن جعفر (ع) (مجلسی، ۱۰/۲۵۷ و ۸۲/۱۶۷)، علی بن موسی‌الرضا (ع) (همو، ۱۱/۲۰۶)، به چشم می‌خورد و بخاری نیز در کتاب التفسیر صحیحش، همین‌عنوان را بر پیشانی سوره برنشانده است (ابن عاشور، ۳۰/۵۷۹).

۱۰۹ - ۲ - الْمُقَشِّشَةُ، نامی است مشترک میان این‌سوره و سوره‌های توبه و إخلاص که بنابر قولی در سوره‌های کافرون و إخلاص به معنی پیراینده و پاک‌کننده از شرک و در سوره توبه، به معنی پیراینده و پاک‌کننده از نفاق است (همانجا).

۱۰۹ - ۳ - سورة العِبَادَةِ (سیوطی، الإقتان، ۱/۱۷۷؛ زمخشری، ۴/۱۰۸) اسم یا مصدری است که از مضمون و لفظ آیه‌های دوم تا پنجم سوره برگرفته و نام آن گردانیده‌اند. این مطلبی است که سعدالله مشهور به سعدی از جمال‌القرءاء، روایت کرده است (ابن عاشور، همانجا).

۱۰۹ - ۴ - سورة الدِّين، این‌نام را که از نوع‌نامیدن یک سوره به واژه‌ای در

آخرین آیه اوست: «لکم دینکم ولی دین (کافرون: ۶) -»، فیروزآبادی در کتاب *بصائر ذری التمییز* ذکر کرده است (همانجا).

### ۱۱۰ - النصر

۱۱۰ - ۱ - إذا جاء نصر الله و الفتح، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به نخستین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (مجلسی، ۳۶۸/۱۶)، عایشه (ابن عاشور، ۵۸۸/۳۰)، انس (سیوطی، الإیتقان، ۱۱۲۸/۳)، عبدالله بن عمر (مجلسی، ۱۱۸۷/۴)، ابن عباس و ابن زبیر (سیوطی، الدرالمعثور، ۴۰۶/۶)، مذکور افتاده است.

۱۱۰ - ۲ - سورة الفتح، این نام که از گونه نامیدن یک سوره به آخرین واژه نخستین آیه اوست، در جامع ترمذی، سوره را نشان‌دار کرده است. (ابن عاشور، همانجا). این نام مشترک است میان این سوره و سوره‌ای که نام نامدار او «فتح» است و با این آیه آغاز می‌شود: «أنا فتحنا لک فتحاً مبیناً».

۱۱۰ - ۳ - سورة التودیع، این نام از ابن مسعود نقل شده است و سبب چنین نام نهادنی، ایماء و اشاره‌ای است که در سوره به وفات و وداع پیامبر اکرم (ص) وجود دارد (همانجا).

### ۱۱۱ - العنصَد

۱۱۱ - ۱ - تبت یدا اُبی لهب، این عنوان که از نوع نامیدن سوره به آیه نخست اوست، در خبرهایی از امام باقر و صادق (ع) آمده است (مجلسی، ۵۹/۱۸ و ۴۸۷/۱۲).

۱۱۱ - ۲ - سورة تبت، این نام که از نوع نامیدن یک سوره، به آغازین واژه آغازین آیه اوست، در بیشتر مصحفها و تفسیرها و در جامع ترمذی، به چشم می‌خورد (سیوطی، الإیتقان، ۱۷۶/۱؛ ابن عاشور، ۵۹۹/۳۰).

۱۱۱ - ۳ - سورة اُبی لهب، این نام را که از قسم نامیدن سوره‌ای به آخرین نام واژه اولین آیه اوست، گروهی از مفسران بر سوره نهاده‌اند (ابن عاشور، همانجا).

۱۱۱ - ۴ - سورة اللّهب، این نام - که مانند مورد پیشین است - در تفسیر ابو حیان اندلسی مذکور افتاده و در جای دیگر دیده نشده است (ابو حیان اندلسی، ۵۲۴/۸؛ ابن عاشور، همانجا).

## ۱۱۲ - الإخلاص

۱۱۲ - ۱ - سورة قل هو الله احد، این عنوان که از قبیل نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (مجلسی، ۳۳۴/۷۲ و ۶۰/۸۳؛ نسائی، ۵۱۳/۲)، جابر بن عبدالله (نسائی، ۲۶۱/۵؛ ترمذی، ۲۲۱/۳)، اَبی بن کعب (ابن حنبل، ۲۱۸/۵؛ سیوطی، الإقتان، ۱۱۵۵/۲)، عایشة (حاکم نیشابوری، ۵۶۶/۲)، انس بن مالک (سیوطی، الإقتان، ۱۱۵۴/۲) و امام کاظم (ع) (مجلسی، ۱۶/۱۲)، دیده می‌شود.

۱۱۲ - ۲ - سورة التوحيد، این نام، در حدیثی از پیامبر (ص) در سنن سعید بن منصور، نیز در برخی مصحفهای تونس، در تفسیر کبیر فخر رازی (همو، ۱۶۰/۸۳؛ ابن عاشور، ۶۰۹/۳۰ - ۶۱۰؛ فخر رازی، ۱۷۵/۱۶)، در تفسیرهای مجمع‌البیان و جوامع الجامع (طبرسی، مجمع البیان، ۸۵۴/۱۰؛ همو، جوامع الجامع، ۷۹۴/۲) و ... مذکور افتاده است و سبب این بوده که سوره مشتمل است بر اثبات یگانگی خداوند متعال. نکته: فخر رازی در تفسیر کبیر (۱۷۵/۱۶ - ۱۷۶)، برای نامهای این سوره فصلی گشوده و نامهای متعددی را بی‌ذکر مأخذ و سند برشمرده است که - مزید فایده را - بر این نامها نظری گذرا می‌افکنیم:

۱۱۲ - ۳ - التفرید (یگانه و یکتا کردن - و دیدن و دانستن)، سبب این نامگذاری آن است که در سوره، بس صفات جلال خداوندی که سلبیه‌اند، ذکر شده است.

۱۱۲ - ۴ - التجرید، نظیر مورد پیشین.

۱۱۲ - ۵ - الشّجاعة، چون در دنیا از کفر و در آخرت از آتش رهایی می‌دهد.

۱۱۲ - ۶ - الولاية، چون هر که خداوند را به یگانگی - موضوعی که در این سوره

- مطرح شده است - بشناسد، امید است از دوستان با ایمان خداوند گردد که جز خدا را دوست و سرپرست نگیرند. «در ضمیر او نمی‌گنجد به غیر از دوست کس».
- ۱۱۲ - ۷ - النسبة، چون روایت است که وقتی مشرکان به پیامبر (ص) گفتند: «تبار پروردگارت را بازگویی»، ابن سوره که پاسخ آنان بود، نازل گشت: «اینک تبار پروردگارم». در برخی روایات، «نسبة الرب» گفته شده است.
- ۱۱۲ - ۸ - الجمال، چون این سوره اصول و مباهی صفات خداوند را که همانا زیباترین و کامل‌ترین صفاتند در خود فراهم آورده، چنین نامیده شده است؛ زیرا از پیامبر (ص) روایت شده است: «إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ» و چون توضیح خواستند فرمود: «- جمال الهی آن است که - احد است و صمد و لم یلد و لم یولد».
- ۱۱۲ - ۹ - المقتشقة، هنگامی که گویند: «فَقُشِقِشُ الدَّوَاءُ الْجَرْبَ» یعنی: دارو، گری (بیماری حاد پوستی) را درمان کرد و بهبودی داد. و این سوره چون از مرض شرک پیش می‌گیرد و آن را درمان می‌کند، و وجود شخص را از آثار این بیماری می‌پسراید و پاک می‌سازد چنین نامیده‌اندش.
- ۱۱۲ - ۱۰ - المَعُوذَةُ، چون پیامبر (ص) وقتی که در بیماری عثمان بن مظعون از او دیدار کرد، بدو فرمود: «به این سوره و دو سوره بعدش (فلق و ناس) چنگ درزن و پناه براه، این سوره را چنین نام داده‌اند».
- ۱۱۲ - ۱۱ - الصَّمَد، چون این واژه اختصاصاً در همین سوره آمده است.
- ۱۱۲ - ۱۲ - الأساس، چون این سوره، بنیاد عقیده اسلامی است و توحید که در آن آمده، بنیاد دین و آئین است (درباره این نام، همچنین نگاه کنید به: سیوطی، الإِتقان، ۱۷۶/۱؛ طبرسی، مجمع‌البیان، ۸۵۴/۱۰؛ زمخشری، ۸۱۹/۴).
- ۱۱۲ - ۱۳ - المَانِعَةُ، چون روایت است که - پابندی و ایمان به مضمون این سوره - از عذاب گور جلوگیری می‌کند و گرما، سوزش و آسیب آتش را مانع می‌شود.
- ۱۱۲ - ۱۴ - المَحْضَر، چون وقت خواندنش، فرشتگان برای گوش سپاری حضور می‌یابند.

۱۱۲ - ۱۵ - المُنْفَرَة، یعنی رم دهنده و فراری ده، چون وقت خواندنش، اهریمن رم می‌کند و می‌گریزد.

۱۱۲ - ۱۶ - البرّاءة، چون از شرک، پاک، پاک می‌کند و گسسته و جدا می‌سازد.

۱۱۲ - ۱۷ - المذکّرة، چون از توحید ناب یاد می‌کند و آن را به یاد می‌آورد، توحید نابی که در فطرت و سرشت آدمی ریشه دارد.

۱۱۲ - ۱۸ - النور، چون روایت داریم که «أَنَّ نَورَ الْقُرْآنِ، قَلْبُ هُوَاللهِ أَحَدٌ».

۱۱۲ - ۱۹ - الأمان، چون هر که به درون مایه آن معتقد باشد - و به آن ایمان ورزد و در راستای آن به کار دارد - از عذاب ایمن نشیند.

۱۱۲ - ۲۰ - المعرفة، چون صفت‌هایی را در خود گرد آورده که معرفت و شناخت خداوند جز از راه شناخت این صفات میسر نمی‌شود.

### ۱۱۳ - فَلَاق

۱۱۳ - ۱ - (سورة) قَلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ، این عنوان که از نوع نامیدن یک سوره به نخستین آیه اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (دارمی، ۱۵۸؛ حاکم نیشابوری، ۵۸۹/۲؛ نسائی، ۶۹۶/۲؛ سیوطی، الإیتقان، ۱۱۲۹/۲)، ابن عباس (سیوطی، الإیتقان، ۳۱/۱ - ۳۲)، امام باقر (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۱۸۷/۱۰) به چشم می‌خورد.

۱۱۳ - ۲ - المَعُوذَة (+ النَّاس = المَعُوذَتَيْن)، این عنوان که به معنی پناه دهنده است در گفتار برخی از صحابیان آمده است (ابن عاشور، ۶۲۳/۳۰).

۱۱۳ - ۳ - سورة المَعُوذَة الْأُولَى، این نام را ابن عطیه در تفسیرش آورده است. (همانجا). چون در ترتیب قرآن کریم، پیش از سورة ناس قرار گرفته است. در تفسیر ابن عطیه از دو سوره فلق و ناس با عنوان «المَعُوذَتَان» نام رفته است (ابن عطیه اندلسی، ۵۳۹/۵ - ۵۴۰).

۱۱۳ - ۴ - الْمُشَقِّقَة (+ سورة ناس = الْمُشَقِّقَتَان)، این نام برگرفته است از «شَقَّقَ شَقَّاقَةً الْجَمَلُ»: شتر بانگ برآورد. (خلیل الجوسّ، ۱۲۷۸/۲؛ ابراهیم انیس و...، ۴۸۹/۱).

الشَّقِيقَةُ: پاره‌گوشتی است که شتر به هنگام بانگ کردن از گوشه دهان بیرون کند، و... درنگ این پاره گوشت، بیرون از دهان شتر، در مدتی اندک است. (شهیدی، ۴۵۰) شَقِيقَةُ چیزی است شبیه بادکنک که، هنگامی که شتر عشق و شور، یا خشم و خروش می‌گیرد، در اوج غلیان، از دهانش بیرون می‌زند و ساعتی بعد فرو می‌نشیند» (شریعتی، ۱۳).

«فَلَانٌ شَقِيقَةٌ قَوْمَهُ: فلانی زبان‌آور قوم خویش است. (خلیل الجَرِّ، همانجا؛ ابراهیم آنیس، همانجا).» و خطیبُ شَقِيقٌ: سخنور زبان‌آور است. «نیز وقتی گویند: «فَلَانٌ ذُو شَقِيقَةٍ»، یعنی سخنوری تواناست» (شهیدی، ۴۵۰). و از همین باب است خطبه شَقِيقَه که خطبه سوم نهج البلاغه می‌باشد و در پایان از سوی علی (ع) چنین توصیف شده است: بَلَّكَ (- هَذِهِ الْخُطْبَةُ) شَقِيقَةٌ هَدَّرَتْ لَمْ قَرَّتْ: آنچه شنیدی شعله غم بود که سرکشید، و تفت بازگشت و در جای آرמיד» (شهیدی، ۱۱).

ابن عاشور گوید: سبب نامیدن این دو سوره به این نام را به تحقیق ندانستم. اما سبب روشن است. با دَقَّتْ در واژه مشقشقه در می‌یابیم که از نظر مفهومی قرین است با عناصری چون بانگ برآوردن، آواز سردادن، بالا رفتن منحنی کلمات به هنگام شور و هیجان گوینده، زبان‌آور و زبان‌گویای جمعیتی بودن، شعله کشیدن شراره غم؛ و این که سوره‌های فلق و ناس، مشقشقتین: سوره‌های گویا و زبان‌آور و سرشار شور و هیجان قرآن معرفی شده‌اند، چنین توجیه می‌شود که قرآن کتاب هدایت است و دغدغه محوری او راهنمایی انسان به سوی نور و خوشبختی جاودانه می‌باشد که از توجه پیوسته به خداوند، ایمان بدو و کرداری که او پسندد، سرچشمه می‌گیرد. اکنون که قرآن به پایان خود نزدیک می‌شود، ناگهان از زبان پیامبر رحمت، فریاد و فغان بلند می‌کند و هشدار رسا و رهنمودی مؤثر را با زبان‌آوری و شور و هیجانی وصف‌ناپذیر به مخاطبانش می‌گوید و می‌آموزد که از این همه شرّ و شرّآفرینی‌های دشمنان هدایت به پناه حق درآید و در دژ خلل‌ناپذیر خداوند خانه بگیرید که مباد و هزاران بار مباد پیامی را که در این سالهای طولانی بعثت، با روح و تن و احساس و بندید و وجودم

شنیده‌ام و شنونده‌ام، نشنیده گیرید و مباد چراغ هدایتی را که علی‌رغم طوفانهای دهشت‌زای شرک و کفر و نفاق و تبعیض و جاهلیت و تزویر و زر و زور و ... برافروخته‌ام، فرو بمیرانید!

بنابراین، سوره‌های ناس و فلق، دو مشقشقه‌اند؛ یعنی دو فریادگرند که با شور و هیجان و زبان‌آوری بی‌نظیری به انسان فراخوان می‌دهند تا از باطل و دیوسیرتان باطل‌گرا به پناه حق درآید. «چونان اشتری که کف بر لب آورده، نآرام، گردن تابانده، دریای آتش، به تندی تندر، مهارگسلیده، یک پارچه شور و مستی و قرار رمیده خشمناله می‌کند.»

۱۱۳ - ۵ - (سورة) المَشَقَّة ( + الناس = المَشَقَّةِستان)، قرطبی و زمخسری در تفاسیرشان، این نام را آورده‌اند. قرطبی و طیبی گویند: چون از نفاق شفا می‌دهند و رهایی می‌بخشند، - و اقلیم وجود بشر را می‌پیرایند و جان آدمی را صیقل می‌دهند - چنین نام گرفته‌اند. مشقشقه نامی است مشترک میان چهار سوره: توبه، کافرون، فلق و ناس (ابن عاشور، ۶۲۴/۳۰).

#### ۱۱۴ - الناس

۱۱۴ - ۱ - (سورة) قل أعوذ برب الناس، این عنوان که از نوع نامیدن سوره‌ای به آیه نخست اوست، در احادیثی از پیامبر (ص) (سیوطی، الإِتقان، ۱۱۲۹/۲؛ نسائی، ۶۹۶/۲؛ حاکم نیشابوری، ۵۸۹/۲؛ دارمی، ۸۵۸)، ابن عباس (سیوطی، الإِتقان، ۳۱/۱ - ۳۲) و امام باقر (ع) (طبرسی، مجمع‌البیان، ۸۶۷/۱۰) آمده است.

۱۱۴ - ۲ - المَعُوذَةُ ( + الفلق = المَعُوذَتَین)، رجوع شود به ذیل سورة فلق.

۱۱۴ - ۳ - سورة المَعُوذَةُ الثانية، این نام را ابن عطیه در المحرَّر الوجیز آورده است (ابن عطیه اندلسی، ۵۴۰/۵؛ ابن عاشور، ۶۲۳/۳۰). و وجه نامیدن سوره به چنین نامی،

مضمون و مکان سوره می‌باشد که پس از «المعوذة الأولى» یعنی سوره فلق قرار گرفته است (ابن عاشور، همانجا).

۱۱۴ - ۴ - الْمُشَقِّقَةُ (+ الفلق) = الْمُشَقِّقَتَان)، در این باره به تفصیل، ذیل سوره فلق شماره (۱۱۳ - ۴)، سخن گفته‌ایم.

۱۱۴ - ۵ - الْمُشَقِّقَةُ (+ الفلق) = الْمُشَقِّقَتَان)، درباره این نام، ذیل سوره فلق شماره (۱۱۳ - ۵)، سخن گفته‌ایم.

### نتیجه:

هنگام نزول وحی، ساختار و شاکله‌ای به نام «سوره» نزد مخاطبان شناخته شده بود. هر سوره را نام یا نامهایی است و هدف از نامگذاری سوره‌ها، سهولت مراجعه و مذاکره است. پیشینه نامگذاری سوره‌ها به زمان پیامبر (ص) می‌رسد و در اخبار امامان (ع)، صحابه و تابعان و در کلام دانشمندان قرآن پژوه از اسامی و عناوینی گونه‌گون سوره‌ها سخن رفته است؛ بنابراین فقط شماری از سوره‌ها، نام و عنوانشان توفیقی است یعنی از طریق خیر مسند صحیح مرفوع به پیامبر (ص) منتهی می‌شود. از میان نامها و عناوین متعدد، یک نام مقبولتر افتاده و بر پیشانی هر سوره درخشیدن گرفته است. از نظر قیوت استناد و استحکام مبنا، نام سوره‌ها، عموماً بآدون سوره‌ایند. نامها و عناوین بعضاً نامشهور و کمابیش نامتداول سوره‌ها در مواردی سرچشمه و مأخذ شماری از نامها و عناوین مشهور و متداول سوره‌های قرآن کریم است. سوره‌ها به مثابه فصول قرآن کریم و اسامی و عناوین گوناگون سوره‌ها، به مثابه سرفصلها و تیتراهای آن فصول محسوب می‌شوند؛ لذا هر یک از آن اسمها و عنوانها، حامل بار مفهومی خاصی است و مجموعه آن نامها چون گلدسته‌یی، رنگ و بوی ویژه قرآن را دارد.



## منابع و مآخذ

- آلوسی بغدادی، محمود؛ *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۷ ق.
- أنیس، ابراهیم - و دیگران -؛ *المعجم الوسیط*، چاپ دوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو، بی تا.
- ابن أنس، مالک؛ *الموطأ [در مجموعه الکتب الستة]* تحقیق: محمود فؤاد عبدالباقی، استانبول، Yayinlari Cagri، ۱۴۰۱ ق / 1981 (= Anno Domini = بعد از میلاد مسیح (ع) = میلادی). A. D.
- ابن حنبل، احمد؛ *مسند احمد بن حنبل [در مجموعه الکتب الستة]*.
- ابن عاشور، محمد طاهر؛ *التحریر و التنبیر*، تونس، الدار التونسية للنشر، بی تا.
- ابن عطیة اندلسی، *اخرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز*، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۳ ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی؛ *سنن ابن ماجه [در مجموعه الکتب الستة]*.
- ابوحنیة اندلسی، محمد بن یوسف؛ *البحر المحیط*، ریاض، مکتبة النصر الحديثة، بی تا.
- ابوداود، سلیمان بن أشعث سجستانی أزدی؛ *سنن ابی داود [در مجموعه الکتب الستة]*.
- بخاری، محمد بن اسماعیل؛ *الجامع الصحیح* المعروف بـ «صحیح البخاری»، چاپ چهارم، بیروت - دمشق، دار ابن کثیر و دار الیمامة، ۱۴۱۰ ق / 1990 A. D. [نیز طبع بیروت، دارالفکر، بی تا].
- بعلبکی، منیر؛ *موسوعة المورد العربية*، چاپ اول، بیروت، دارالعلم للملایین، 1990 A. D.
- برمیذی، محمد بن عیسی بن سؤرة؛ *سنن الترمذی [در مجموعه الکتب الستة]*.
- الحرّ، خلیل؛ *فرهنگ لاروس*، ترجمه حمید طیبیان، چاپ اول، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۵ ش.
- حافظ شیرازی، شمس الدین محمد، *دیوان خواجه حافظ شیرازی*، به اهتمام ابوالقاسم آنجوی شیرازی، چاپ پنجم، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، بی تا.
- حاکم نیشابوری. ابو عبدالله محمد؛ *المستدرک علی الصحیحین*، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۱ ق / 1990 A. D.

- دار قطنی، ابو الحسن علی بن عمر؛ سنن الدارقطني، بيروت، دارالمعرفة، بی تا.
- دارمی، ابو محمد عبدالله؛ المسند المعروف بـ سنن الدرهمی [درمجموعه الكتب الستة، ج ١٩].
- رازی، فخر (فخرالدین) محمد بن عمر بن حسین؛ التفسیر الكبير (= مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
- زمخشري، محمود بن عمر؛ الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل و عيون الأقاويل في وجوه التأويل، چاپ اول، قم، مكتب الإعلام الإسلامي، ١٤١٤ق.
- سخاوی، علی بن محمد؛ جمال القراء وكمال الإقراء، چاپ اول، بيروت، دار البلاغة، ١٤١٣ق.
- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان؛ الإتقان في علوم القرآن، تحقیق مصطفی ديب البغا، چاپ اول، دمشق - بيروت، دار ابن كثير، ١٤٠٧ق / 1987 A. D.
- \_\_\_\_\_؛ الدرالمشور في التفسير بالمأثور، قم، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي، ١٤٠٤ق.
- شحاته عبدالله محمود؛ درآمدی به تحقیق در اهداف و مقاصد سوره های قرآن کریم، نگارش محمدباقر حجتي، چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامي، تهران، ١٣٦٩ش.
- شریعتی، علی؛ کویز، بی جا، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن؛ جوامع الجامع في تفسير القرآن المجید، چاپ دوم، بيروت، دارالاضواء، ١٤١٢ق / 1992 A. D.
- \_\_\_\_\_؛ مجمع البيان لعلوم القرآن، چاپ دوم، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٨ق / 1988 A. D.
- طبری، محمد بن جریر بن یزید؛ جامع البيان في تفسير القرآن، بيروت، دارالمعرفة، ١٤٠٩ق / 1989 A. D.
- قُرطوبی، محمد بن احمد؛ الجامع لأحكام القرآن، بی جا، بی تا.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن إسحاق؛ الأصول من الکافی، به اهتمام علی اکبر غفاری، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ١٣٦٥ش.

- مجلسی، محمد باقر؛ *بحار الأنوار*، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق/1983A. D.
- مسلم بن حجاج نیشابوری؛ *صحیح مسلم* [در مجموعه الکتب الستة].
- مولوی (مولانا)، جلال الدین محمد؛ *گزیده غزلیات شمس*، به کوشش محمدرضا شفیعی کدکنی، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۶۲ش.
- نسائی، احمد بن شعیب؛ *سنن النسائی*، چاپ اول، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۱۱ق/1991A. D.
- *نهج البلاغه*، ترجمه جعفر شهیدی، چاپ دوم، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
- J. d. pearson; *The Encyclopedia of Islam*, E. j. brill, Leiden, The Netherlands.



